نگاه

اولین‌های عملیات خیبر

اولین فرمانده لشکر شهید سپاه

غلامحسین بهبودی

عملیات خیبر در تاریخ دفاع مقدس ویژگی‌هایی دارد که آن را خاص و ممتاز می‌کند. در این مجال کوتاه، نگاهی گذرا به برخی از این ویژگی‌ها می‌اندازیم.

اولین عملیات سالانه

عملیات خیبر اولین عملیات سالانه کشورمان است. پیش از انجام خیبر، عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز کشورمان با فاصله چند ماه از هم انجام می‌گرفتند اما به دلیل عدم الفتح در عملیات رمضان، والفجر مقدماتی و عملیات والفجر یک و همچنین به دلیل طولانی شدن جنگ در شرایط تحریم‌ها، فرماندهان تصمیم گرفتند با شناسایی‌های گسترده و تجمیع مهمات و نیروها یک عملیات بزرگ اما تأثیرگذار انجام دهند که منجر به عملیات خیبر شد. سپس چون این عملیات به همه اهداف از پیش تعیین شده نرسید، تصمیم گرفته شد تا هر سال یک عملیات بزرگ انجام شود. به این ترتیب خیبر اولین عملیات بزرگ سالانه جنگ لقب گرفت.

اولین عملیات آبی-خاکی

عملیات خیبر اولین عملیات آبی-خاکی کشورمان هم به شمار می‌رود. پیش از خیبر، تمامی عملیات‌های قبلی روی خشکی انجام گرفته بودند. البته در عملیات رمضان دشمن منطقه عملیاتی را به آب بست، ولی این موضوع در بخشی از منطقه عملیاتی صورت گرفت و بنای رزمنده‌ها نیز عملیات در یک منطقه خشکی بود. بعد از عملیات خیبر در منطقه هور که پوشیده از نیزار و همین طور نهرهای فصلی است، عملیات بدر، کربلای ۴ و کربلای ۵ نیز با عبور از آب همراه با آموزش و حضور نیروهای آبی-خاکی انجام گرفتند.

اولین بمباران گسترده شیمیایی

در جریان عملیات خیبر، بعثی‌ها برای اولین بار به طور گسترده از بمب‌های شیمیایی استفاده کردند. بهره‌گیری دشمن از تسلیحات شیمیایی از ماه‌های اول جنگ انجام گرفته بود اما در عملیات خیبر، استفاده افراطی و گسترده دشمن از بمب‌های شیمیایی به حدی بود که برای اولین بار تعدادی از نهادهای بین‌المللی به این موضوع واکنش نشان دادند. هرچند واکنش‌های بین‌المللی منجر به صدور قطعنامه شورای امنیت نشد، اما همین واکنش منفعلانه مجامع جهانی باعث جری‌تر شدن بعثی‌ها و تکرار فاجعه خیبر در عملیات بعدی از سوی آنها شد.

اولین فرمانده لشکر شهید

در میان فرماندهان لشکر سپاه، شهید حاج محمد ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) اولین فرمانده لشکری است که در عملیات خیبر به شهادت رسید. وی که پس از اسارت حاج احمد متوسلیان به فرماندهی تیپ ۲۷ رسیده بود، این تیپ را به سطح لشکر ارتقا داد و همراه نیروهایش در چند عملیات مهم و تأثیرگذار چون رمضان، والفجر ۲ و... شرکت کرده بود. پس از شهادت محمد ابراهیم همت، در سال‌های بعد نیز سپاه باز طعم شهادت فرماندهان لشکر خود را چشید. شهید مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا در اسفند سال ۶۳، شهید عباس کریمی فرمانده لشکر ۲۷ (جانشین همت) در اسفند ۶۳ و حاج حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در اسفند ۶۵ از دیگر فرماندهان لشکر سپاه بودند که در خلال دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در کربلای طلائیه (عملیات خیبر)

تیربارچی دشمن از ترس بسیجی‌ها سکته کرد!

شهید میثمی می‌گفت کسانی که در طلائیه ایستادند اگر در عاشورا بودند در رکاب امام حسین(ع) می‌جنگیدند

علیرضا محمدی

طلائیه در عملیات خیبر، حکم شلمچه در عملیات کربلای ۵ را داشت. وقتی نیروهای ایرانی جزایر مجنون را به تصرف در آوردند، طلائیه کلید فتح یا شکست در این عملیات محسوب می‌شد. به قول حاج محمدعلی فلاحت از رزمندگان حاضر در این عملیات: «اگر فرض بگیریم که منطقه هور یک حوض آب بود، طلائیه لبه خشکی این حوض به شمار می‌رفت. اگر دشمن می‌توانست طلائیه را بگیرد، هزاران رزمنده حاضر در جزیره مجنون به محاصره درمی‌آمدند.» در نبرد طلائیه صدها نفر از رزمندگان کشورمان از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله گرفته تا تیپ الغدیر یزد و سپس لشکر ۱۴ امام حسین(ع) به شهادت رسیدند تا نهایتاً پس از پنج مرحله عملیات، خط دشمن شکست و موقعیت نیروهای خودی در جزایر مجنون تثبیت شد. در سالروز انجام عملیات خیبر از سوم تا ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۲ گفت‌وگوی ما با حاج محمدعلی فلاحت، فرمانده گروهان یوسف از گردان امام حسن(ع) لشکر ۱۴ امام حسین(ع) را پیش‌رو دارید.

خیبر اولین عملیات آبی - خاکی کشورمان در دفاع مقدس بود، هدف از انجام آن در منطقه خاصی چون هور چه بود؟

از زمان انجام عملیات برون مرزی رمضان که با عدم الفتح روبه‌رو شد، عراق به لاک دفاعی فرو رفت و متعاقب آن، عملیات‌های تهاجمی بزرگ بعدی مثل والفجر مقدماتی و یک هم نتیجه چندانی در برنداشتند. بنابراین فرماندهان تصمیم گرفتند در یک منطقه بکر که دشمن فکر انجام عملیات در آنجا را نمی‌کرد، وارد عمل شوند. هور چنین وضعیتی داشت. در آنجا دو جزیره مجنون شمالی و جنوبی قرار داشت که می‌توانستند به عنوان جای پایی برای نفوذ رزمنده‌ها به عمق خاک عراق و دستیابی به رودخانه دجله، مورد استفاده قرار گیرند. اگر ما می‌توانستیم به شرق دجله برسیم و پشت جاده العماره-بصره مستقر شویم، ارتباط بصره با شمال این کشور تا حد زیادی قطع می‌شد و دشمن ضربه سختی می‌خورد. به همین منظور فرمانده وقت سپاه قرارگاه سری «نصرت» را به فرماندهی شهید علی هاشمی تشکیل داد تا شناسایی‌های وسیعی در هور انجام گیرد. شهید هاشمی با نیروهای بومی منطقه، شناسایی‌های خوبی انجام داد و نهایتاً عملیات خیبر در سوم اسفندماه ۱۳۶۲ آغاز شد.

تمرکز عمده نیروهای کشورمان در عملیات خیبر تصرف جزایر مجنون و دستیابی به جاده العماره- بصره بود، پس چرا در ادامه عملیات منطقه طلائیه اهمیت حیاتی پیدا کرد؟

در هفته اول عملیات خیبر طبق پیش‌بینی‌هایی که انجام گرفته بود، دشمن غافلگیر شد و جزیره مجنون به تصرف نیروهای کشورمان درآمد. از طرفی تعدادی از یگان‌ها هم توانستند خودشان را به دجله برسانند و با آب این رودخانه وضو بگیرند. حتی برای مدت کوتاهی پشت جاده العماره- بصره هم قرار گرفتند، ولی فشار دشمن در مراحل بعدی عملیات باعث بازگشت این نیروها شد. در تداوم عملیات وقتی دشمن دید نمی‌توانند نیروهای حاضر در جزایر مجنون را پس بزنند، تصمیم گرفت منطقه طلائیه را به تصرف درآورد. اگر ما فرض بگیریم که منطقه عملیاتی خیبر یک حوض بود، هور در وسط این حوض قرار داشت و لبه آن طلائیه بود. عراقی‌ها سعی کردند طلائیه را بگیرند و ما را محاصره کنند. در این صورت نیروی داخل جزیره مجنون به محاصره درمی‌آمدند و امکان داشت همگی اسیر شوند. با فشار دشمن روی طلائیه، فرماندهان احساس خطر کردند و بنا شد آن قسمت از طلائیه را که دشمن اشغال کرده بود از او پس بگیریم و متعاقباً او را پس بزنیم.

لشکر ۱۴ در مراحل اول عملیات خیبر از کدام منطقه وارد عمل شد؟

در مرحله اول ما در منطقه پاسگاه زید وارد عمل شدیم. آنجا قرار بود یک عملیات ایذایی یا فریب صورت بگیرد و نیروهای دشمن را به آن سمت بکشانیم، اما عراق متوجه شد و دست ما را خواند. بنابراین عمده توانش را صرف منطقه هور و جزایر و طلائیه کرد. در پاسگاه زید گردان موسی بن جعفر از لشکر ۱۴ وارد عمل شد و تعدادی هم شهید و مجروح دادیم. بعد قضیه طلائیه پیش آمد و قرار شد مراحل بعدی عملیات را آنجا انجام دهیم.

> در هفته اول عملیات خیبر طبق پیش‌بینی‌هایی که انجام گرفته بود، دشمن غافلگیر شد و جزیره مجنون به تصرف نیروهای کشورمان درآمد. از طرفی تعدادی از یگان‌ها هم توانستند خودشان را به دجله برسانند و با آب این رودخانه وضو بگیرند

قبل از لشکر ۱۴، شهید همت و نیروهای لشکر ۲۷ تلفات بسیاری در طلائیه دادند، موقعیت این منطقه چطور بود که این همه شهید و مجروح آنجا دادیم؟

در منطقه طلائیه دژی بود به طول تقریباً ۳۰۰ متر و عرض ۱۲ الی ۱۳ متر، سمت چپ این دژ هور بود و سمت راست هم آبگرفتگی که دشمن برای اختلال در حرکت نیروهای ما آن را ایجاد کرده بود. رزمنده‌ای که می‌خواست در این منطقه به خط دشمن بزند، بی‌برو برگرد باید روی این دژ حرکت می‌کرد. با توجه به عرض کم دژ، ما در یک منطقه محدود کاملاً در دید و تیررس دشمن بودیم. بعثی‌ها با علم بر این موضوع، مسلسل‌های ۲۳ میلیمتری را در حالی که نورافکن‌هایی روی آنها بسته بودند مستقر کرده بودند و هر جنبده‌ای که روی دژ می‌رفت را گلوله‌باران می‌کردند. گلوله‌های ۲۳ میلیمتری دو زمانه هستند و اگر به قوزک پای یک شخص هم می‌خوردند او را شهید می‌کردند. بچه‌های لشکر ۲۷ سه شب به خط دشمن زدند و با وجود تلفات بسیار، موفق به گرفتن خط دشمن نشدند. شب چهارم لشکر ۲۷ با تیپ الغدیر یزد الحاق کرد و با هم وارد عمل شدند که متأسفانه این بار هم موفق نشدند. بنابراین فرماندهان از لشکر ۱۴ خواستند بلافاصله وارد عمل شود. ما وارد شدیم و همان شب توانستیم خط دشمن را بشکنیم

گویا اهمیت منطقه طلائیه برای بعثی‌ها به حدی بود که حدود یک میلیون گلوله روی سر رزمندها ریختند؟

بله، تعداد قابل توجه شهدای لشکر ۲۷، تیپ الغدیر یزد و سپس لشکر ۱۴ در طلائیه به خاطر همین حجم آتش فوق العاده سنگین دشمن و موقعیت خاص منطقه طلائیه بود. شهید میثمی جمله معروفی در خصوص نبرد در طلائیه دارد. ایشان گفته بود: «کسانی که در طلائیه ماندند و مقاومت کردند اگر در عاشورا هم بودند پشت سر حسین فاطمه می‌ایستادند و شهید می‌شدند.»

لشکر ۱۴ با چه تعداد نیرو در منطقه طلائیه وارد عمل شد؟

سه گردان از لشکر ما مأمور انجام عملیات شد. گردان امام حسن(ع) به فرماندهی شهید ابراهیم خلیلی که ایشان در همان شب عملیات به شهادت رسید. گردان امام حسین(ع) به فرماندهی نادعلی براتی (فرمانده این گردان علی قوچانی بود که چون زخمی شد، گردان را به نادعلی براتی سپردند) و گردان امیرالمؤمنین(ع) به فرماندهی عباس قربانی. البته یک گروهان از گردان امیر وارد عمل شد که شهید عباس قربانی در میان نیروهای شرکت‌کننده بود و خودش هم همان شب به شهادت رسید.

چه اتفاقی باعث شد بچه‌های لشکر ۱۴ توانستند خط دشمن را در طلائیه بشکنند؟

علت این موضوع اتفاقی بود که قبل از شروع عملیات رقم خورد. یادم است پیش از آنکه دستور حرکت صادر شود، حاج حسین خرازی فرماندهان گروهان به بالا را پیش خودش خواند و صحبت‌های عجیبی کرد. ایشان گفت امشب اینجا عاشورا و این منطقه کربلاست. همه آنچه در هیئت‌ها از عاشورا و امام حسین(ع) شنیده‌اید امشب اینجا برایتان رقم می‌خورد. هر کسی هست بسم‌الله و هر کس نیست من بیعتم را از او برداشتم به‌سلامت... وقتی من به گروهان برگشتم و صحبت‌های حاج حسین را با بچه‌ها در میان گذاشتم، خیلی از آنها زار زار گریه کردند و گفتند مگر ما چه کرده یا گفته‌ایم که حاجی می‌گوید اگر می‌خواهید بروید. ما می‌مانیم و عاشورایی می‌جنگیم. حرکت کردیم و واقعاً همین جهاد عاشورا گونه بود که باعث شد خط دشمن در طلائیه بشکند.

آن شب در عاشورای طلائیه چه اتفاقی افتاد؟

من در آن مقطع فرمانده گروهان یوسف از گردان امام حسن(ع) بودم، گردان ما قرار بود از روبه‌رو و گردان امام حسین(ع) هم از سمت راست به خط دشمن بزند. عرض کردم منطقه آبگرفتگی بود. ما حدود ۲۵۰ متر از مسیر را به صورت خمیده و از طریق همین آبگرفتگی به سمت دشمن پیشروی کردیم. یکسری نردبان‌های آلومینیومی در اختیار ما گذاشته بودند که هنگام حرکت آنها را داخل آب می‌گذاشتیم تا پاهایمان در باتلاق و گل و لای فرو نرود. همین طور عمده مسیر کانال را طی کردیم، البته از همان اول شروع حرکتمان دشمن آتش شدیدی روی منطقه می‌ریخت ولی تا مدتی متوجه نشده بود که ما از زیر پایش داریم به طرفش حرکت می‌کنیم. وقتی متوجه ما شد، آب بیشتری روی منطقه انداخت، برای این منظور یک لودر دشمن سعی کرد خط را ببندد تا آب در منطقه جمع شود. بچه‌های اطلاعات عملیات رفتند سروقت این لودر و او را منحرف کردند، ولی همچنان کار می‌کرد و سر و صدای آن هم باعث شد تا دشمن آنطور که باید و شاید متوجه حضور ما نشود. وقتی آب بالا آمد مجبور شدیم روی دژ بیاییم. اینجا چیزی حدود ۱۵ الی ۲۰ متر با خط دشمن فاصله داشتیم. من ابتدا چند نفر از بچه‌ها را روی خاکریز فرستادم اما همان لحظه اول، همگی آنها به شهادت رسیدند. تیربارهای دشمن کاملاً به دژ تسلط داشتند. به بچه‌ها گفتم اگر بخواهیم چند نفر چند نفر برویم فایده ندارد و همه را می‌زنند، تنها راه این است که همگی با هم از خاکریز بالا برویم و تکبیر بگوییم. همزمان ما و بچه‌های گردان امام حسین از دو جناح به دشمن حمله کردیم و الله‌اکبر گفتیم، عراقی‌ها باور نمی‌کردند این تعداد نیرو (حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر) تا این حد خودشان را به آنها نزدیک کرده باشند، وقتی توانستیم خط دشمن را بگیریم، من به چشم دیدم یک تیربارچی دشمن بدون آنکه گلوله‌ای به او خورده باشد، مرده بود. زبانش بیرون آمده و نشان می‌داد که از ترس تکبیر بچه‌ها سکته کرده است.

آن شب لشکر ۱۴ چه تعداد شهید داد؟

به دلیل حجم بالای آتش دشمن از ابتدای حرکتمان تا لحظه‌ای که خط را گرفتیم و منطقه را پاکسازی کردیم، تلفات سنگینی دادیم. من آمار دقیقی ندارم اما از دو گردان و یک گروهانی که در این عملیات شرکت کردند، چیزی در حدود ۳۰۰ نفر شهید و مجروح شدند. از شهدای شاخص این عملیات می‌توانم به شهید ابراهیم خلیلی فرمانده گردان امام حسن(ع) که مسئول محور هم بود، اشاره کنم. شب قبل از عملیات، برادر خلیلی در مجنون به شهادت رسیده بود و در واقع فاصله شهادت دو برادر یک شبانه‌روز بود. شهید اسدی فرمانده گروهان، شهید روزگاری جانشین گروهان و شهید عباس قربانی فرمانده گردان امیرالمؤمنین(ع) از دیگر شهدای شاخص این عملیات بودند. پیکر عباس قربانی طوری تکه‌تکه شده بود که فقط یک پاشنه پا از او مانده بود. آن را داخل یک تویوتا گذاشتیم تا حداقل اثری از عباس به خانواده‌اش برسد ولی همان تویوتا هم هنگام حرکت مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفت و هیچ چیزی از پیکر عباس باقی نماند. حسین خرازی سمت چپ جناح ما در منطقه پیشروی می‌کرد که مجروح شد و دستش قطع شد. از خصوصیات اخلاقی و فرماندهی شهید خرازی این بود که در عملیات خودش در خط مقدم حضور پیدا می‌کرد. این‌بار هم آمد و دستش قطع شد. سه سال بعد هم در کربلای ۵ به شهادت رسید.

چه خاطره‌ای از این عملیات دارید؟

از زمانی که زیر پای دشمن رسیدیم و با آنها درگیر شدیم، فاصله‌مان آنقدر کم بود که جنگ نارنجک‌ها شروع شد. چون فاصله دو طرف کم بود، سعی می‌کردیم از سلاح‌های انفرادی کمتر استفاده کنیم تا آتش تفنگمان، دشمن را متوجه موقعیت‌مان نکند. هم ما و هم عراقی‌ها در آن لحظات بیشتر از نارنجک استفاده می‌کردیم. وقتی خط دشمن را گرفتیم، سمت چپ یک باند هلی‌کوپتر بود که برای پاکسازی به آنجا رفتیم. آنجا تعدادی از نیروهای دشمن داخل سنگرها پنهان شده بودند. درست بعد از اینکه باند هلی‌کوپتر را رد کردیم، ناگهان یک افسر بعثی که گویا از فرماندهان هم بود، یک نارنجک به طرفم پرتاب کرد. همزمان من هم یک نارنجک به طرفش پرتاب کردم. نارنجک بعثی زیر پایم افتاد و زانوی پای راست و پای چپ و لگن و سایر اعضای بدنم به شدت مجروح شد، طوری که هفت ماه بستری شدم. از آن طرف نارنجک من هم که چهل تکه بود به داخل سنگر افسر بعثی افتاد و چون محیط بسته بود، تن بعثی تکه تکه شد و به هلاکت رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۱۶۰

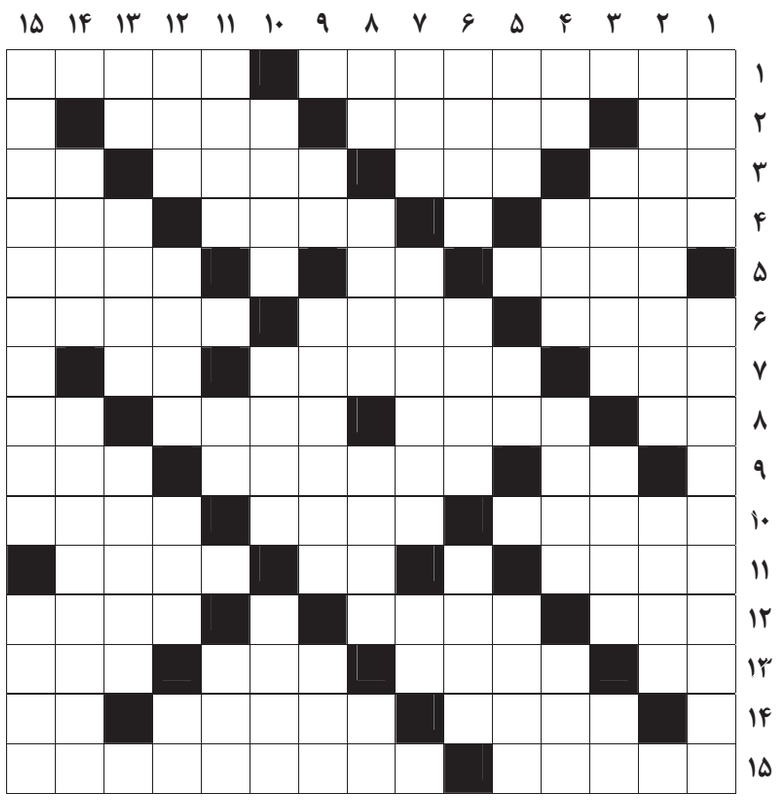

از راست به چپ

■ ۱-عمارت دیدنی و تاریخی شوشتر که ثبت جهانی شده است-مجسمه ■ ۲-علامت مفعول-کوچک شمردن-محل اتصال استخوان‌ها به یکدیگر ■ ۳-مهاجم بنام تاتنهام-سخن منظوم-سبد بزرگ حمل میوه-دشمن سخت ■ ۴-از نام‌های خدا به معنای پوشاننده عیب-لوکس-اجداد ■ ۵-باد خنک-ستون بدن-نوعی بیماری پوستی ■ ۶-اثر سوختگی-نوعی خورشت-بومیان پرو و بولیوی که تمدنشان معروف است ■ ۷-رود-به صورت علنی-گندم ■ ۸-حرف دهن کجی-گوارا-چشمداشت و امید-مخفف هستم ■ ۹-زنجیر اسارت-پهن کردن-وسنی ■ ۱۰-نوعی انگور-شرکت سازنده خودروهای سنگین سوئد-پایتخت کشور نائورو ■ ۱۱-بخشنده-اسم آذری-مسابقه دوچرخه‌سواری ■ ۱۲-موی گردن شیر-موزیک نظامی-پیک ■ ۱۳-تلخ-فروخورنده خشم-سنه-فرزندزاده ■ ۱۴-به آهستگی-حلقه‌های فلزی به هم پیوسته-طایفه کم‌حرف ■ ۱۵-تاندون-محبت به زیردستان

از بالا به پایین

■ ۱-لاشخور-پینگ پنگ ■ ۲-بی انتها و بی‌پایان-گل باغچه‌ای دارای گل‌های درشت و پربرگ ■ ۳-زخم آب کشیده-آهو-چوب خوشبو ■ ۴-کلاه فرنگی-جاده قطار-نامیده‌شده-اردوگاه ■ ۵-ناسزا-شاه بی شین-خالق ارژنگ ■ ۶-نامه کوچک-زیبا-نظم‌دهنده ■ ۷-شهری نزدیک اردبیل-مبتکر سبک کوبیسم - پایتخت ایتالیا ■ ۸-زبانه آتش-قابله-سعی-همسر مرد ■ ۹-ناراست-رود مرزی ایران و افغانستان-مدرک ■ ۱۰-تولیدکننده-زبان مردم پاکستان-کیوسک ■ ۱۱-فالگیری-سه کیلو-نرم ■ ۱۲-پیروزی-تنبلی و کاهلی-ذره باردار-هر یک از دوسطح سکه ■ ۱۳-سرای مهر-قصد و نیت-سخنگوی حضرت موسی ■ ۱۴-ذکر حاجیان در مراسم حج-نویسنده، کارگردان و بازیگر معروف همشهری کین ■ ۱۵-مهاجم تیم ملی ایران-منکر وجود خدا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۶						
	۷		۵	۹				
						۱	۳	
	۶					۳		۴
	۹			۴	۳		۶	
۸					۷			
			۹	۳	۸			
۴	۵							
						۸		۷

جدول کلمات متقاطع
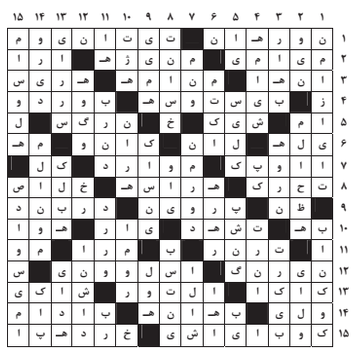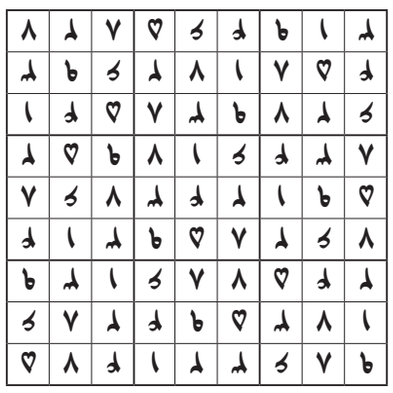
پاسخ جدول شماره ۶۱۵۹